



تجارت خانوادگی

درباره برادران عمید حضور و فرزندانشان

صاحبان گروه صنعتی کفش بلا و کارآفرینان امروز

(قسمت پایانی)



یک گروه صنعتی

پس از توسعه صنعت کفش، عمیدحضورها به فکر شرکت در صنایع دیگر هم افتادند. این صنایع طیف گسترده‌ای از تولید کارتن، سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و حتی کارهای کامپیوتری را در بر می‌گرفت. آنها تولید جوراب گیلان را در سال ۱۳۵۰ شروع کردند و در کارهای کامپیوتری در شرکتی به نام دیتا سنتر در سال ۱۳۵۳ وارد شدند. «کارتن کار» هم یکی از کارخانه‌های مهمی بود که زیر نظر گروه صنعتی بلا کار می‌کرد.

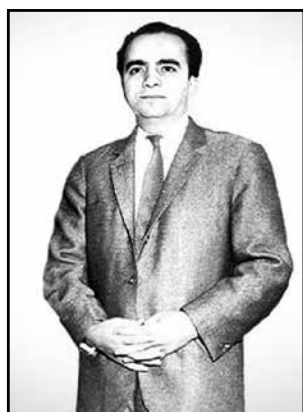
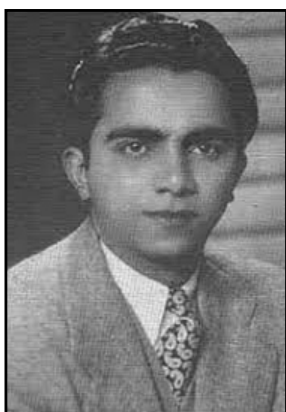
در سال ۱۳۵۲، برخی تجار مذهبی که خانواده عمیدحضور هم در میان آنها بود، برای گرفتن انحصار کارتن‌سازی در ایران از دست یهودیان، تصمیم گرفتند کارخانه‌ای در شهر قم راه‌اندازی کنند. در تیر ۱۳۵۵، هاشم و اسماعیل عمیدحضور که از سهامداران اصلی این شرکت بودند، پیشنهاد دادند سرمایه شرکت افزایش یابد. در اواسط دهه ۵۰، گروه صنعتی بلا، صاحب ۴۲۵۳۲ سهم از ۵۰ هزار سهام شرکت کارتن

طبق گفته برادران عمیدحضور، مادر این خانواده همیشه نقطه اتصال و اتحاد آنها بوده و اصرار مادر بر این بود که با دیگران شریک نشوند. وقتی گروه بلا رشد کرد و در هر خیابان، شعبه‌ای از کفش بلا وجود داشت، مادر ترسیده بود و به فرزندان هشدار می‌داد که آهسته‌تر حرکت کنند. گروه صنعتی بلا رشد کرد و در میانه دهه ۵۰، علاوه بر کفش، چرم، کارتن و جوراب هم تولید می‌کرد. محصولات کفش بلا، انواع کفش‌های پلاستیکی، لاستیکی، گالشی، پوتین، ورزشی، دمپایی، کفش تنیس مردانه و... بود. یکی از محصولات بلا، کتانی تخت پلاستیکی بود. پس از چند سال از مواد PVC برای تولید کفش استفاده کردند؛ چون محصول نهایی سبک و راحت از کار درمی‌آمد. در شش سال اول کار یعنی تا سال ۱۳۴۷، بلا فروشگاه پخش نداشت، تا اینکه در خرداد همان سال در سرچشمه و بعدها در چهارراه گلوبندک، فروشگاه کفش بلا به بهره‌برداری رسید. فعالیت‌های اداری و بخشی از توزیع کفش را در این پاساژ انجام می‌دادند. شرکت بلا بخشی از تولید را به صورت انحصاری به بنکدارها می‌فروخت و مقداری از آن را خودش در بازار تهران و شهرستان‌ها پخش می‌کرد. به تدریج از سال ۱۳۴۹ فروشگاه‌ها در سطح تهران و شهرستان‌ها گسترش پیدا کرد. گروه بلا در سال ۱۳۵۷، دومین شرکت بزرگ تولید انواع کفش ماشینی، دارای ۱۸۹ نمایندگی فروش در سطح کشور بود؛ ۵۹ فروشگاه در تهران و ۱۳۰ فروشگاه در شهرستان‌ها.

کار بود. این افزایش سرمایه، در سال ۱۳۶۶ موجب شد سهامداران سابق شرکت، علیه عمیدحضورها شکایت کنند؛ مبنی بر اینکه افزایش صوری سرمایه از ۲۲۰ میلیون ریال به ۵۰۰ میلیون ریال در غیاب و بدون اجازه سایر سهامداران بوده است. بعد از این ادعا، مبلغ افزایش سرمایه به صاحبان سهام مسترد شد. سرانجام پس از حدود ۸ سال، در سال ۱۳۷۳، شعبه یک دادگاه حقوقی، حکم کرد که برخلاف ادعای شاکیان، افزایش سرمایه شرکت در سال ۱۳۵۵، با اجازه اکثریت صاحبان سهام صورت گرفته و جعل و تزویری در افزایش سرمایه شرکت رخ نداده است. به هرحال شرکت کارتن‌کار در سال ۱۳۵۴ یکی از بزرگ‌ترین کارخانجات گروه صنعتی بلا بود و حدود ۲۰۰ پرسنل داشت. سایر موسسات گروه صنعتی بلا هم طی ۱۵ سال، فعالیتشان را گسترش دادند و بیش از ۲۵۰۰ پرسنل داشتند. گسترش قابل‌توجه فعالیت شرکت‌ها در پنج سال آخر پیش از پیروزی انقلاب، به علت افزایش درآمدهای نفتی در کشور بود.

شیوه مدیریت پرسنل

امیر و منصور به همان شیوه اداره حجره در بازار به پرسنل خود رسیدگی می‌کردند و حتی تا مدت‌ها آنها را بیمه نکرده بودند. اما شیوه سنتی مدیریت پرسنل به این شکل بود که مثلاً اگر کسی بیشتر تلاش می‌کرد، از تنخواه به او پاداش می‌دادند. یا حتی برای تشویق اگر وامی به کسی داده می‌شد، بازپرداخت آن را می‌بخشیدند.



روزهای افت یک برند

گروه صنعتی بلا و برادران عمید حضور همیشه هم در جهت موفقیت و با سیر صعودی در فروش و تولید روبه‌رو نبودند. عملاً از اواسط دهه ۵۰، بلا با مشکلات عمیق و متعددی درگیر بود که در نهایت هم با پیروزی انقلاب و تغییرات اساسی در ساختار شرکت گره خورد. این افت از جایی شروع شد که تعدادی از شرکت‌های گروه بلا، با بدهی‌های زیادی روبه‌رو شدند. از طرفی در خانواده و میان برادران هم اختلاف نظرهایی وجود داشت درباره فروش برخی واحدها و فروشگاه‌ها برای بازپرداخت بدهی‌ها. در ابتدای سال ۱۳۵۷ بدهی معادل ۷۰۰ میلیون تومان از این گروه صنعتی گزارش شد. در کنار بدهی‌ها، گرفتن اعتبارات کوتاه‌مدت برای کارخانه‌ها از بانک ملی هم مشکل دیگر این گروه صنعتی بود و همین موضوع باعث شد به مدت دو سال مدیریت بسیاری از واحدها تحت نظر بانک ملی قرار بگیرد. بدشانی دیگری هم در مسیر عمید حضورها قرار گرفت و آن آتش‌سوزی بخش بسیار بزرگی از انبار کارخانه در سال ۱۳۵۶ بود. چون مدیریت سنتی بود و هنوز به شکل یکپارچه به یک شیوه مدیریتی صنعتی نرسیده بودند، ناتوانی کوتاه‌مدت در عرضه کفش بلا و جم، باعث زیان و عدم بازپرداخت به موقع بدهی‌های دیگر شد. از اواسط سال ۱۳۵۶، به دلیل کمبود نقدینگی تعدادی از کارخانه‌های کفش تحت فشار قرار داشت. حتی به گفته نزدیکان برادران عمید حضور و کارگران کارخانه‌ها، در همین دوره، تنش‌هایی بین برادران به وجود آمده بود. این تنش‌ها گاهی در نحوه رفتار با کارکنان هم تاثیر می‌گذاشت.

برای ازدواج خانواده‌های نیازمند و تجهیزیه آنها اقدام می‌کردند یا در ایام عید مواد غذایی بین افراد پخش می‌کردند. یا در مثالی دیگر تا پیش از بیمه شدن کارمندان، در زمان بیماری‌های سخت، پول درمان را مدیریت بر عهده می‌گرفت. همه این اقدامات در جهت امور رفاهی کارکنان بود، اما براساس همان فرمول‌های قدیمی حجره‌های بازار، نه با متد خاص مدیریتی یک واحد صنعتی بزرگ.

البته از سال ۱۳۵۲، مخصوصاً با بازگشت اسماعیل از آمریکا و اصرار بر تغییر شیوه‌های مدیریتی قدیمی، گروه بلا به این نتیجه رسید که اگر می‌خواهد فعالیت شرکت‌ها، پرسنل و فعالیت صنعتی را توسعه بدهد، ناگزیر باید شیوه‌های مدیریتی جدید را اعمال کند. همین موضوع باعث شد گروه صنعتی بلا از اوایل سال ۱۳۵۲، از برخی افراد برجسته دانشگاهی برای سازمان‌دهی مدیریتی، دعوت به کار کند. آنها شروع به تغییراتی در الگوی اداره شرکت‌ها کردند، اما مدیریت جدید به دلیل فرصت اندک و فشار بدهی‌ها، در سال‌های آخر حضور عمید حضورها، نتوانستند آن‌طور که باید به موفقیتی در این زمینه برسند.



گروه صنعتی کفش بلا _ محله سنگلج تهران



بهمن ۱۳۸۴ درگذشت. هاشم عمیدحضور هم پس از انقلاب به خارج از کشور رفت و از همان دهه ۶۰ با دخترانش در جنوب فرانسه، در زمینه تجارت کفش فعالیت دارد. اسماعیل عمیدحضور با سابقه تحصیلی و کاری که در آمریکا داشت، از دیگر برادران در آن سوی آب‌ها موفق‌تر بود. او نخستین تاجری بود که Nintendo را به بازار آمریکا آورد. او بعدها شعبه آمریکایی شرکت گروندیک را خریداری و تغییراتی در خط تولید آن ایجاد کرد. او سال‌هاست در زمینه تولید و تجارت تجهیزات الکترونیکی، کار می‌کند و به موفقیت‌های زیادی هم رسیده است.

جوانان امروز خاندان عمیدحضور

جوانان نسل سوم خاندان عمیدحضور تحت تربیتی قرار داشتند که مدام به فکر کارآفرینی و توسعه کسب‌وکار خود بودند. خروج از ایران هم باعث نشد این تفکر و نوع تربیت تغییر پیدا کند. البته شاید بتوان درباره نسل سوم این خانواده تاثیر شانس را هم در نظر گرفت. ماجرای این شانس به ساختمان ۱۶۵ در خیابان یونیورسیتی در نزدیکی دانشگاه استنفورد بازمی‌گردد که مالک آن سعید و رحیم عمیدحضور بودند و آن را در سال‌های اوج توسعه تکنولوژی به معتبرترین شرکت‌های جهان از جمله گوگل اجاره دادند. آنها بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که بهتر است وارد سرمایه‌گذاری در شرکت‌های نوپا در حوزه تکنولوژی شوند که با سرعتی بسیار خیره‌کننده رشد می‌کردند.

سعید و رحیم عمید حضور یا عمیدی، شرکتی را به نام «پلاگاند پلی» راه‌اندازی کرده‌اند که چندین سال است، در شهر کالیفرنیا پا گرفته و فعالیت اصلی‌اش حمایت از شرکت‌های تکنولوژی محور و ایده‌های نوین است. در واقع شرکت پلاگاند پلی یک شتاب‌دهنده محسوب می‌شود که در حوزه بازار ایده و خلاقیت کار می‌کند و با شناسایی استارت‌آپ‌ها یا ایده‌ها روی آنها سرمایه‌گذاری و حمایت می‌کنند تا یک شرکت نوپا بتواند رشد داشته باشد و در نهایت در سود این شرکت شریک می‌شوند. شرکت شتاب‌دهنده برادران عمیدی هم‌اکنون در بیش از ۲۰ کشور دنیا فعالیت دارند و بیش از ۳۰۰ استارت‌آپ تحت حمایت آنهاست. پلاگاند پلی همچنین با دانشگاه‌های معتبر جهان هم همکاری دارد تا استعدادهای جوان و آینده‌دار را شناسایی کنند و تحت حمایت خود قرار دهند.

در این دوره، دکتر اسماعیل عمیدحضور تمام تلاشش را به کار بسته بود تا بتواند با بانک‌ها همکاری کند و مسئله بدهی‌ها حل شود، اما پس از چند ماه، وقوع انقلاب آن تلاش‌ها را ناکام گذاشت. درباره ناتوانی شرکت در بازپرداخت بدهی‌ها، دو روایت متفاوت هم وجود دارد. یک روایت بر نحوه استفاده از اعتبارات کوتاه‌مدت و نقش آن است، اما یک روایت دیگر از تصمیم امیر در سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و خروج ارز می‌گوید که باعث ایجاد ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌ها شد. در اواسط دهه ۵۰ حکومت پهلوی تصمیم گرفت ۴۹ درصد سهام به کارگران و مردم واگذار شود و همچنین سیاست قیمت‌گذاری روی کالاها را به راه انداخت. این مسائل باعث خروج فعالان اقتصادی زیادی از ایران شد که احتمالاً امیر هم در ادامه همین روند تصمیم به خروج گرفته بود.

انقلاب و مصادره بلا

برادران عمیدحضور جز تولید و تجارت به چیزی فکر نمی‌کردند و حتی در فعالیت صنعتی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، مشارکت نداشتند. اما سال ۱۳۵۸ و در ادامه مصادره‌هایی که انجام شد، برادران عمیدحضور هم دیگر اجازه استفاده از اموالشان را نداشتند. از دیگر اتفاقات بد برای این گروه صنعتی این بود که در زمانی که فضای احساسی پس از انقلاب بر اوضاع اقتصادی غالب شده بود، نام گروه بلا به شرکت فخرالاسلام تغییر یافت. در سال‌های بعد شرکت‌های تولیدی کفش بلا، از جمله مهپوش، جم، چرم زوک و جوراب گیلان، از دهه ۷۰ به بعد پس از کنترل دولت، با زیان‌های بسیاری مواجه شدند. آنهایی که به موسسات عمومی غیردولتی واگذار شدند تا حدی توانستند به فعالیت خود ادامه دهند، اما شرکت‌هایی که در دست سازمان‌های دولتی بودند، تعطیل شدند. تنها بازمانده گروه صنعتی بلا هم‌اکنون شرکت بازرگانی مربوط به فروشگاه‌ها بود که فعلاً فعال است.

سرنوشت برادران پس از مصادره

امیر عمیدحضور به واسطه اختلافات و بدهی که شرکت با آن مواجه شده بود، پس از شروع موج انقلاب در دی‌ماه ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد. امیر تا زمان مرگش به همراه پسرانش، در زمینه تجارت فرش، صنایع آب و ملک‌داری از فعالان موفق ایرانی در آمریکا بود. امیر عمیدحضور پس از ۳۵ سال فعالیت تجاری صنعتی در مهرماه ۱۳۷۹، در سن ۷۲ سالگی در آمریکا درگذشت. منصور به دلیل رابطه با پدر همسرش حاجی ترخانی، تصور نمی‌کرد با همه روابطی که با انقلابیون مذهبی داشت، در سال ۱۳۵۹ از ورود او به کارخانه‌اش جلوگیری کنند. از طرفی ممنوع‌المعامله بودن، کنترل کارخانه توسط سازمان صنایع و از همه بیشتر اندوهی که بابت از دست دادن سه دهه تلاش مستمر در کار صنعتی برای او به وجود آمده بود، باعث شد که در سال ۱۳۶۱، زمانی که تنها ۴۶ سال داشت، بر اثر سکته قلبی در تهران فوت کند. محسن عمیدحضور هم مانند برادر دوم خود در ایران ماند. او از ابتدا هم نقش پررنگی در گروه صنعتی بلا نداشت و در نهایت در